

دکتر مصطفی ملکوتیان*

مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران

چکیده:

سرزمین ایران از یک سو یک تکه حساس جغرافیایی بر روی نقشه جهان و از دیگر سو دارای ویژگی‌های خاص جغرافیایی و طبیعی و برخوردار از منابع غنی انرژی مانند نفت و گاز است. این عوامل آشکارا تاکنون بازتاب خود را در مسائل سیاسی داخلی و روابط خارجی کشور و استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ بر جای نهاده است. این پژوهش در پی آن بوده است که به‌طور خلاصه به معرفی این واقعیات جغرافیایی و بازتاب سیاسی آنها بپردازد.

واژگان کلیدی:

جغرافیای سیاسی، علت وجودی، موقعیت استراتژیک.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«انقلاب: پیشینه نظری موضوع و پیشنهاد یک مدل راهنما»، سال ۷۳، شماره ۳۳ - «انقلاب از آغاز تا فرجام:

مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها»، سال ۸۱، شماره ۵۷ - «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب

اسلامی ایران»، سال ۸۲، شماره ۶۱.

طرح کلی

هر چند تعریف هارتشورن که گفته است: «جغرافیای سیاسی به مطالعه و بررسی تشابهات و تفاوت‌های منطقه‌ای که شخصیت سیاسی دارند، به عنوان جزیی از کل تشابهات و تفاوت‌های منطقه‌ای می‌پردازد»، (برسکات، ص ۱) مورد استقبال جغرافیدانان سیاسی واقع گردید، اما در بررسی جغرافیای سیاسی تنها با جنبه‌های بالفعل مرتبط نیستیم، بلکه باید بررسی تأثیرات احتمالی و بالقوه عوامل جغرافیایی بر قدرت و سیاست نیز مورد توجه قرار گیرد.

برای بررسی جغرافیای سیاسی یک واحد سیاسی، حداقل توجه به چند عامل لازم است:

۱- علت وجودی^۱

۲- جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن - شامل مباحثی مانند موقعیت و انواع آن (ریاضی، نسبی، دریایی در مقابل محصور در خشکی، مرکزی در مقابل حاشیه‌ای و نهایتاً موقعیت استراتژیک)، وسعت، شکل، ناهمواری‌ها، آب و هوا، منابع معدنی، مرزهای خشکی و آبی، پایتخت و غیره.

۳- جمعیت و ترکیب اجتماعی و نحوه توزیع سرزمینی آن.

۴- شبکه راه‌های ارتباطی

۱- علت وجودی

بدین ترتیب، بررسی جغرافیای سیاسی کشور را با تعریف و تطبیق مفهوم علت وجودی آغاز می‌کنیم. منظور از علت وجودی این است که هر دولتی برای حفظ و بقای خود باید به این پرسش پاسخ دهد که این واحد سیاسی چرا باید مستقل و جدا از سایر واحدها وجود داشته باشد. (میرحیدر، ۱۳۵۲، ص ۵۰) همبستگی ملی خواه بر اساس زبان، مذهب و ارزش‌های مشترک و خواه بر پایه تجربه‌های تاریخی مشترک می‌تواند از مهم‌ترین دلایل وجودی یک کشور باشد. (میرحیدر، ۱۳۸۱، ص ۸۷) اگر علت وجودی یک کشور اهمیت خود را از دست بدهد و علت وجودی جدیدی ایجاد نشود، آن کشور با مشکل مواجه شده و ممکن است در مقابل فشارها از

پای درآید. علت وجودی کشورهای جدیدی که سابقه تاریخی نداشته‌اند ممکن است یک اندیشه سیاسی جدید یا نقش وحدت بخش رهبران سیاسی باشد.

در مورد کشورهایی مانند ایران، مصر، یونان، هند و چین که از سابقه تاریخی و فرهنگی هزاران ساله برخوردارند، علت وجودی پیچیدگی ندارد. کشور ایران از زمان‌های دور دست یکی از معدود کشورهایی بوده است که بر روی نقطه جهان وجود داشته است.

نام «ایران» معرف قوم و نژادی است که بر اساس نظریه‌های باستان‌شناسی، اجداد و نیاکان ساکنان سرزمین ایران بوده‌اند؛ یعنی آریایی‌ها. آنها در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد وارد فلات ایران^۱ شدند و تمدن و فرهنگ جدیدی را مستقر ساخته و هویت مردم سرزمین ایران را شکل دادند. (حافظنیا، ۱۳۸۱، ص ۱۰) بنابراین، علت وجودی ایران را باید در سابقه کهن وجود دولت در فلات ایران و حتی ماورای آن - به گونه‌ای که برخی از دولت‌های ایرانی قلمرو حکومت خود را به ماورای فلات گسترش دادند مانند هخامنشیان، پارتیان، ساسانیان، سلجوقیان و صفویان - و شکل‌گیری فرهنگ مشترک با ویژگی‌های متمایز و خاص جستجو کرد.

اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران به دین مبین اسلام و مذهب تشیع و بهره‌گیری از زبان فارسی توسط اکثریت مردم کشور و قرین بودن نام ایران با آثار ادبی عرفانی و حماسی و شاعرانی مشهور و جهانی مانند فردوسی، سعدی، حافظ، عطار، خیام، نظامی، جامی و غیره و شهرت جهانی هنر ایرانی مانند هنر معماری و موسیقی اصیل ایرانی و آثار مشهور باستانی و آداب و رسوم خاص مردم ما بیانگر وجود یک فرهنگ تاریخی ویژه است که باید در بحث علت

۱- فلات ایران که از گره‌گاه پامیر در شمال شرقی تا گره‌گاه قفقاز در شمال غربی، و از دشت‌های سند و پنجاب و خلیج فارس تا دشت‌های بین‌النهرین گسترش می‌یابد، حدود ۲۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و امروزه حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع آن در ایران واقع است. درباره‌های این فضای محصور در شمال رشته کوه‌های البرز و هندوکش، در غرب و جنوب رشته ارتفاعات زاگرس و در شرق ارتفاعات سلیمان‌اند. فضای بکپارچه داخل فلات به شکل‌گیری ساختار فرهنگی خاص و هویت ملی ایرانیان کمک کرده و موجبات تمایز آنها از دیگران - یعنی تمایز از هند، ماوراءالنهر، بین‌النهرین، آناتولی و غیره - را فراهم آورده است. حافظنیا، ۱۳۸۱، ص ۱۶.

وجودی ایران آن را مورد توجه قرار داد. در این فرهنگ نقش حق طلبی و عدالت طلبی تشیع که بارها در تاریخ ایران بعد از اسلام خود را به صورت نهضت‌ها و حرکت‌های اصلاحی و انقلابی نشان داده است نیز آشکار می‌باشد.

۲- جغرافیای سیاسی سرزمین ایران و ویژگی‌های فیزیکی آن

همان‌طور که در طرح کلی گفته شد، بحث جغرافیای سیاسی سرزمین ایران را نیز با اشاره به انواع موقعیت آغاز می‌کنیم:

ایران و انواع موقعیت

۱- موقعیت ریاضی

کشور ایران بین 3° و 25° تا 46° و 39° عرض شمالی و 2° و 44° تا 9° و 63° طول شرقی و بنابراین تماماً در منطقه معتدله (مایل به گرم) نیمکره شمالی قرار گرفته است.^۱ این امر تا حد زیادی تعیین کننده شرایط آب و هوایی مناطق غیرکوهستانی آن است و هرچه از جنوب به سمت شمال می‌رویم همراه با افزایش درجات عرض جغرافیایی، از شدت گرما کاسته می‌شود.

۲- موقعیت نسبی

ایران با ۷ کشور مرز خشکی و با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهای حاشیه دریای مازندران مرز دریایی دارد. کمتر کشوری در جهان با این تعداد از همسایگان مواجه است. تعداد زیاد همسایگان با توجه به سیاست خارجی متفاوت کشورها، احتمال تعارض بین آنها را بالا می‌برد. فروپاشی اتحاد شوروی به دلیل اینکه ایران را از فشار یک قدرت تهدیدکننده دائمی رها می‌کرد به مقدار قابل توجهی موقعیت نسبی ایران را بهبود بخشید؛ اما حضور رو به افزایش

۱- کره زمین را در شمال و جنوب خط استوا به ۳ منطقه گرم (از خط استوا تا مدارهای رأس السرطان و رأس الجدی یعنی نامدار 27° و 23°)، معتدل (از مدارهای فوق تا مدار قطبی در شمال و جنوب یعنی تا مدار 33° و 66°) و قطبی (از مدارهای قطبی تا قطب‌های شمال و جنوب یعنی تا مدار 90°) تقسیم کرده‌اند.

آمریکا در کشورهای شمالی و حضور آمریکا و تعدادی از کشورهای غربی در خلیج فارس، عراق، افغانستان، قطر و غیره وضعیت جدید و قابل تأملی را پدید آورده است.

۳- موقعیت دریایی

ایران در دریای مازندران حدود ۶۵۷ کیلومتر، در دریای عمان حدود ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس حدود ۱۲۵۹ کیلومتر مرز دریایی دارد. بنابراین از مزایای اقتصادی - با توجه به اینکه بهره‌گیری از دریا ارزان‌ترین وسیله حمل و نقل و تجارت است و نیز دریا حاوی مقادیر قابل توجهی از منابع معدنی و غذایی ارزشمند است - و دفاعی آن بهره‌مند است.

۴- موقعیت مرکزی

در تعریف موقعیت مرکزی گفته‌اند که موقعیتی است که محل رفت و آمدهای زیاد بین‌المللی به دلیل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و غیره یا مرکز مهم عبور راه‌های ارتباطی بین‌المللی باشد. ایران همان‌گونه که از نظر تاریخی در مسیر عبور راه ابریشم قرار داشت، به دلیل قرار گرفتن بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس از یک سو و همچنین قرار داشتن بین آسیا و اروپا از سوی دیگر، کوتاه‌ترین مسیر برای عبور راه‌های شوسه و آهن از شمال به جنوب و عبور لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپاست. همچنین راه آهن ایران می‌تواند آسیای شرقی و جنوبی را به اروپا از یک طرف و خلیج فارس از سوی دیگر وصل کند.

۵- موقعیت استراتژیک

در تعریف موقعیت استراتژیک گفته‌اند که موقعیتی است که مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی به دارنده آن در مقابل رقبا یا دشمنانش اعطا می‌کند. (Dikshit, p. 33)

کشور ایران به دلایل مختلف دارای موقعیت و اهمیت استراتژیک است:

- ۱- دارا بودن معادن غنی نفت و گاز و فلزات مهم - ایران پس از فدراسیون روسیه که حدود ۳۰٪ از ذخایر شناخته شده گاز جهانی را دارد، با حدود ۱۵٪ ذخایر جهانی گاز مقام دوم را داراست. به گونه‌ای که در صورت گسترش تولید و صادرات گاز، این دو کشور قادر خواهند بود در

تعیین قیمت جهانی گاز نقش قاطع داشته باشند. ایران همچنین حدود ۱۰٪ از ذخایر نفت خام جهان را در اختیار دارد.

۲- قرار گرفتن در سراسر شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و در اختیار داشتن حدود ۳۱ جزیره در دهانه تنگه و داخل خلیج فارس و نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها در داخل تنگه و خلیج فارس.

۳- با توجه به اینکه هر موقعیت مرکزی موقعیت استراتژیک نیز هست (و البته عکس آن درست نیست)، (Dikshit, pp. 33-37) قرار داشتن ایران بین کشورهای شمالی و منطقه خلیج فارس و بین قاره‌های آسیا و اروپا و اینکه ایران مسیری کوتاه و امن برای ارتباط دادن بین این مناطق است، نیز بازگوکننده موقعیت استراتژیک این کشور است.

وسعت

جمهوری اسلامی ایران با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت، حدود $\frac{۱}{۳۰۹}$ کره زمین، $\frac{۱}{۹۰}$ خشکی‌های زمین و $\frac{۱}{۳۷}$ قاره آسیاست (بدیمی، ص ۱۹) و در دسته بندی پاندرز^۱ جزء کشورهای خیلی بزرگ محسوب می‌شود. وسعت زیاد احتمال تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی را بالا می‌برد و به علاوه در امور دفاعی نقش دارد و معمولاً هر مقدار کشور وسیع‌تر باشد منابع معدنی و طبیعی بیشتری دارد.^۲

۱- پاندرز (Pounds) کشورهای جهان را از لحاظ وسعت در ۸ دسته قرار داده است که عبارتند از:
 ۱- کشورهای خیلی عظیم (بیش از ۶۰۰۰۰۰۰) ۲- کشورهای عظیم (۲۵۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۰)، ۳- کشورهای خیلی بزرگ (۱۲۵۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰) ۴- کشورهای بزرگ (۶۵۰۰۰۰ تا ۱۲۵۰۰۰۰) ۵- کشورهای متوسط (۲۵۰۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰۰) ۶- کشورهای کوچک (۱۲۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰) ۷- کشورهای خیلی کوچک (۲۵۰۰۰ تا ۱۲۵۰۰۰) ۸- کشورهای ذره‌ای (کمتر از ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع).

Dikshit, p. 39.

۲- البته گاهی کشورهای کوچکتر منابع متنوعتر و کشورهای بزرگتر منابع فقیرتری دارند؛ مثلاً اسپانیا و لوکزامبورگ منابع غنی ولی نروژ و ایتالیا منابع کمتری از آنها دارند.

شکل

ایران شکل چهار ضلعی نامنظم دارد که قطر بزرگ آن از آارات تا خلیج گواتر حدود ۲۲۱۰ کیلومتر و قطر کوچکش از سرخس تا دهانهٔ اروندرود ۱۴۰۰ کیلومتر است. اگر مبنای ارزیابی خود را فرمول هاگت^۱ و چارلی^۲ قرار دهیم، شاخص شکل برای کشور ما رقم $۰/۴۲۸$ خواهد بود^۳ و با توجه به اینکه بر مبنای این فرمول ارقام به دست آمده از ۱ (برای یک دایرهٔ کامل) تا صفر (برای یک خط) متغیر است، شکل کشور ایران در حد متوسط میان شکل دایره‌ای و شکل طولانی (مایل به طولانی) قرار می‌گیرد. طولانی بودن کشور باعث افزایش طول مرزها و افزایش فاصله‌ها می‌شود؛ در نتیجه کشور به امکانات دفاعی بیشتری نیاز دارد و با توجه به وجود موانع طبیعی ممکن است مشکلاتی در کشیدن راه‌ها یا وحدت داخلی ایجاد کند.

ناهمواری‌ها، آب و هوا و منابع طبیعی

از نظر ناهمواری‌ها، ایران که در داخل کمربند بیابانی نیمکره شمالی واقع شده، حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع از فلات ایران را که ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دازد دربرگرفته است. $\frac{۱}{۳}$ ایران را کوه‌ها، $\frac{۱}{۴}$ را جلگه‌ها و $\frac{۱}{۴}$ دیگر را صحراها و بیابان‌ها تشکیل می‌دهند. کوه‌های ایران به ویژه در شمال (البرز) و غرب (زاگرس) مشکلاتی در امر ساختن راه‌های ارتباطی و عبور ابرهای برخاسته از دریاها، مازندران و مدیترانه به مرکز کشور پدید آورده و باعث جدایی برخی از اقوام از سایرین شده است؛ اما مزایای دفاعی و تعدیل درجه هوا (کوه‌های مرکزی) از نقاط قوت آن است.

کویرها، دریاها و جنگل‌ها نیز از چهره‌های عمدهٔ جغرافیایی کشورند:

1- Haggett.

2- Chorley.

۳- هاگت و چارلی در سال ۱۹۶۹ فرمول $\frac{1/27A}{L^2}$ = شاخص شکل، را برای تشخیص دوری و نزدیکی شکل یک واحد سیاسی به دایره پیشنهاد کردند. که در آن A مساحت واحد سیاسی به کیلومتر مربع و L طول بزرگترین محور کشور به کیلومتر است. Dikshit, p.47.

$\frac{1/27 \times 1648195}{(2210)^2} = 0/428$ = شاخص شکل ایران

بدین ترتیب:

دو کویر بزرگ ایران - کویر لوت و دشت کویر - عامل اصلی کمبود راه‌های ارتباطی و فقدان جمعیت کافی در مقدار قابل توجهی از وسعت کشور بوده‌اند و باعث تقویت این تصور گردیده‌اند که با احداث کانال آبی از دریای مازندران به دریای عمان می‌توان آبادانی را به شرق کشور آورد.

دریای مازندران، مهم‌ترین چهره فیزیکی شمال کشور ۱۲۶۰-۱۲۰۰ کیلومتر طول و ۵۵۰-۲۰۰ کیلومتر عرض دارد و عمق متوسط آن ۶/۲ متر است. این عمق در قسمت‌های شمالی آن کم - به گونه‌ای که $\frac{۴}{۵}$ آن عمق کمتر از ۱۰ متر دارد - است. در حالی که در قسمت‌های جنوبی گاهی به ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌رسد. از ۶۳۸۰ کیلومتر طول ساحل این دریا، ۹۹۲ کیلومتر متعلق به ایران است. (بدیمی، صص ۱۳۱-۱۳۰)

خلیج فارس، دریایی است با طول ۱۱۰۰ کیلومتر (با احتساب تنگه هرمز) و عرض ۳۸۸-۶۳ کیلومتر. عمق خلیج فارس به ندرت از ۱۰۰ متر بیشتر می‌شود. این عمق در جنوب تنگه هرمز و از دهانه خلیج فارس تا بندرکنگان زیاد است.

سواحل ایرانی خلیج فارس - به جز اینکه در شمال بوشهر یک دشت ساحلی وجود دارد و این امر گاهی ورود قوای بیگانه را تسهیل نموده است - غالباً صخره‌ای و کوهستانی است و این امر مزیت دفاعی دارد.^۱

یکی از ویژگی‌های خلیج فارس میزان بالای درجه شوری آب آن است. اثر مشترک باد، گرمای شدید و بارندگی کم باعث تبخیر بالای آب و در نتیجه افزایش نمک آن گردیده است. شوری آب از دو جهت اهمیت دارد: نخست از جهت بهتر باقی ماندن زیر دریایی‌ها در آب و دوم از جهت تسریع انتقال امواج صوتی و علائم زیردریایی‌ها و غیره.

تنگه هرمز، آبراهی است به طور ۱۸۷ کیلومتر واقع در بین دو کشور ایران و عمان که عرض آن در باریک‌ترین قسمت - بین جزیره قوئین کبیر در جنوب و لارک در شمال - ۳۸ کیلومتر است. در طول ۳۰ کیلومتر از تنگه هیچ دریای آزاد بین ایران و عمان وجود ندارد و خط منصف آبراه را

۱- در حالی که سواحل غربی خلیج فارس، به جز در آن سوی تنگه هرمز یعنی شبه جزیره رأس المسندم و سواحل شبه جزیره قطر، شنی و پست است.

دو قسمت کرده است. عمق تنگه در جزیره لارک ۳۶ متر و در ساحل جنوبی ۱۴۴ متر است. عمق بیشتر تنگه در قسمت جنوبی و عمق بیشتر دریا در قسمت شمالی باعث شده است کشتی‌های بزرگ در ورود و خروج به تنگه، از کنار کشور عمان - به گونه‌ای که دو خط کشتیرانی هریک به عرض یک مایل و یک مایل نیز به عنوان حائل برای این امر در نظر گرفته شده است - بگذرند ولی در ورود به خلیج فارس و خروج از آن کنار جزایر ایرانی تنب بزرگ و فارور عبور نمایند. این امر با توجه به نیاز جهانی به نفت خلیج فارس - به ویژه نیاز جدی اروپا، ژاپن، آسیای شرقی و آمریکا که کشور اخیر اکنون بیش از ۵۰٪ نفت مورد نیازش را از منطقه خلیج فارس تأمین می‌کند^۱ - اهمیت دو کشور ایران و عمان را آشکار می‌سازد.

اهمیت نفتی خلیج فارس باعث افزایش حضور آمریکا و تعدادی از قدرت‌های غربی در خلیج فارس شده است. البته به دلیل وقوع نوعی دگردیسی سیاسی در عربستان و احتمال خرابکاری علیه مراکز آمریکا در این کشور، آمریکا به فکر تخلیه پایگاه‌های نظامی خود در عربستان افتاده و کشور قطر برای ادامه این حضور انتخاب شده است. آمریکا پایگاه دریایی جفیر در بحرین را نیز ایجاد نموده است.^۲

ایران حدود ۳۱ جزیره در خلیج فارس دارد که ۱۲ عدد آن مسکونی است:

جزیره هرمز - که جزیره‌ای زیباست و در طول تاریخ افراد زیادی آن را ستوده‌اند و گاه گفته‌اند

۱- به نوشته یکی از منابع، اگر گفته شود امنیت داخلی و خارجی، قدرت و پرستیژ و بخش عمده‌ای از اقتصاد آمریکا به نفت خلیج فارس وابسته است، جمله اغراق‌آمیزی گفته نشده است. نفت، این منطقه را به «منطقه منافع حیاتی» برای نظام بین‌المللی و آمریکا تبدیل کرده است. کاهش ذخایر نفت دریای شمال و آلاسکا، کیفیت بهتر نفت خلیج فارس، کاهش ذخایر داخلی آمریکا، کاهش واردات نفت از کانادا و ونزوئلا توسط آمریکا و افزایش مصرف جهانی از دلایل اهمیت روزافزون نفت خلیج فارس برای آمریکا و جهانیان می‌باشد. جلیل روشندل و سیدحسین سیف‌زاده، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲، صص ۱۷۱-۱۷۰.

۲- برای مطالعه پایگاه‌های آمریکا در منطقه و جهان رجوع کنید به: محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، ۱۳۷۱، صص ۴۶۰-۴۵۸.

که هرمز نگین انگشتی دنیا است. و در دهانه تنگه واقع گردیده و عمق خوبی دارد، جزیره لازک - که به دلیل واقع شدن در درون تنگه اهمیت بسیار زیادی دارد، جزیره قشم - که موقعیت خوبی در تنگه دارد و بزرگترین جزیره ایرانی است، جزیره هنگام - که در داخل تنگه هرمز واقع شده است، جزایر تنب - که فاصله آن با بندر باسعید ایران ۱۲ مایل اما تا اولین قطعه جنوبی ۳۶ مایل است و در گذشته تابع بندر لنگه بوده است، جزایر سیری و فارور که در دهانه داخلی تنگه کنترل و نظارت ایران بر تنگه را ضمانت می‌کنند، همگی موقعیت استراتژیک دارند، هم‌چنین، جزیره ابوموسی - که دارای منابع نفتی مشترک بین ایران و شارجه و تحت حاکمیت ایران است،

این جزایر به همراه سایر جزایر ایرانی مانند هندورابی، لاوان و خارک - که در یکی از عمیق‌ترین قسمت‌های خلیج فارس واقع و به دلیل داشتن سواحل عمیق برای لنگر انداختن کشتی‌های بزرگ مناسب و بزرگترین اسکله نفتی جهان را داراست - می‌توانند مانند ناوگان‌های ثابتی در خدمت دفاع از مرزهای جنوبی و دریایی کشور باشند.^۱

جنگل‌ها، حدود ۱۱ درصد مساحت ایران - یعنی ۱۸۰۲۰۰ کیلومتر مربع را تشکیل می‌دهند که ۵۵/۵ درصد آن مربوط به جنگل‌های بلوط غرب، ۲۵/۵ درصد مربوط به جنگل‌های شمال از جمله منطقه کوهستانی ارس، ۱۳/۳ درصد مربوط به جنگل‌های پسته جنوب و شرق کشور و ۵/۶ درصد مربوط به جنگل‌های گرمسیری و کویری است.^۲ جنگل

۱- برای مطالعه وضعیت فیزیکی و موقعیت جزایر ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز رجوع کنید به: ۱- حسین نوربخش، خلیج فارس و جزایر ایرانی، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲، صفحات مختلف؛ ۲- بدیعی، پیشین، صص ۱۲۷-۱۲۳؛ ۳- حافظ‌نیا، ۱۳۷۱، صص ۲۰۲-۱۹۱.

۲- جنگل به منطقه‌ای گفته می‌شود که در هر هکتار آن حداقل ۲۵۰ درخت و نهال موجود باشد. برای مطالعه میزان، نوع و ارزش اقتصادی جنگل‌های ایران رجوع کنید به: ۱- حبیب‌الله ثابتی، جنگل‌های ایران، تهران: کتاب جوانان، ۱۳۵۷، صفحات مختلف؛ ۲- بدیعی، پیشین، جلد ۳، صص ۲۷۱-۲۶۵؛ همچنین برای مطالعه پیشینه

باعث تعدیل آب و هوا، بارش باران، تأمین منابع چوب و پاکی محیط زیست می‌گردد. کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در 39° و 3° - 25° N به کشوری کم باران تبدیل شده است. متوسط بارش سالانه ایران ۲۵-۳۰ سانتی متر است که کمتر از $\frac{1}{3}$ بارش سالانه جهان و کمتر از $\frac{1}{4}$ بارش سالانه قاره آسیاست. حدود $\frac{1}{3}$ باران ایران در حوزه خزر و تنها $\frac{1}{3}$ آن در فلات مرکزی می‌بارد. تنوع ناهمواری‌ها در کشور باعث تنوع آب و هوایی آن شده است؛ بنابراین انواع آب و هوای خشک، کوهستانی و معتدله را داراست. این شرایط امکان برداشت محصولات کشاورزی در فصل‌های مختلف سال را فراهم آورده است. در حدود $\frac{2}{3}$ از اراضی ایران کشت دیم رواج دارد. جلگه کارون که از نقاط بسیار حاصلخیز ایران است و از قدیم دارای اقتصادی خوب و تمدن پیشرفته بوده است، شالیزارهای شمال، مراتع ییلاقی آذربایجان و ایلام، دشت سیستان که به دلیل ارتباط با دریاچه هامون بسیار حاصلخیز است و بسیاری از نقاط دیگر کشور می‌توانند نیازهای مصرفی و صادراتی کشاورزی و دامی کشور را تأمین و در خودکفایی غذایی مؤثر باشند.

منابع معدنی

منظور از منابع معدنی منابع سوختی و فلزات استراتژیک است. منابع سوختی شامل نفت خام، گاز طبیعی و زغال سنگ و فلزات استراتژیک فلزاتی هستند که به ویژه در زمان جنگ اهمیت می‌یابند هرچند اهمیت خود را در زمان صلح نیز دارا هستند. این فلزات شامل فولاد، مس، آلومینیوم، سرب، روی، منگنز، نیکل، اورانیوم، طلا و غیره هستند.

همان‌طور که پیش از این آمد، ایران حدود ۱۰٪ منابع نفت خام و حدود ۱۵٪ از منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. این منابع در استان‌های جنوب غربی به‌ویژه خوزستان، غربی مانند کرمانشاه و جنوبی مانند فارس، آب‌های خلیج فارس، شمال شرقی خراسان (منابع گاز خانگیران سرخس که حدود ۱۰٪ گاز کشور را داراست)، دریای مازندران و برخی از مناطق

تاریخی جنگل‌های ایران و علل نابودی آنها رجوع کنید به: گزایوه دوبلانول، «انهدام پوشش جنگلی ایران»،

ترجمه اصغر نظریان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، زمستان ۱۳۶۵، صص ۷۷-۹۵.

مرکزی کشور مانند سراجة قم و شهرستان آران و بیدگل قرار دارد.

تاکنون حداقل ۳ محور یا خط عمومی نفت و گاز در ایران شناسایی شده است:

محور غرب - جنوب شرقی (نفت شهر خوزستان، خلیج فارس، تنگه هرمز)، محور شمال (دشت مغان، سواحل دریای مازندران، سرخس) و نهایتاً محور جنوب البرز (قم،

سمنان). (حافظنیا، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

ایران از منابع زغال سنگ نیز برخوردار است. البته معادن محور البرز (آذربایجان تا خراسان) ارزش اقتصادی بالایی ندارند، اما ذخایر زغال سنگ کرمان و جنوب خراسان دارای اهمیت هستند و در صنایع ذوب آهن اصفهان مورد استفاده قرار می گیرند. (حافظنیا، ۱۳۸۱، ص ۹۴)

علاوه بر این، ایران مقادیر قابل ذکری سنگ آهن (در یزد، کرمان و خراسان)، مس (در سرچشمه و چهارگنبد)، طلا (در حومه محلات)، اورانیوم (در یزد)، سرب و روی (در حاشیه کویر لوت، حاشیه البرز و محور اراک - اصفهان - یزد) و فلزات دیگری مانند منگنز، نیکل، کبالت، آلومینیوم و غیره در بخش مرکزی دارد. (حافظنیا، ۱۳۸۱، ص ۹۳)

منابع مس ایران آن قدر غنی است که گفته اند در صورت برنامه ریزی و بهره برداری کامل حتی می تواند جایگزین صادرات نفت در کشور گردد. این منابع در ردیف دو ذخیره بزرگ دیگر مس در دنیاست.

مرزهای بین المللی

طول مرزهای خشکی و آبی ایران حدود ۸۷۳۱ کیلومتر است که بیشترین آن با کشور عراق با ۱۶۰۹-۱۲۸۰ کیلومتر می باشد.

خط مرزی ایران و عراق در سال های ۱۴-۱۹۱۳ طبق موافقت نامه هایی که با دخالت انگلستان و روسیه منعقد شد تعیین گردید. در این معاهدات دولت های فوق برای اینکه امپراتوری عثمانی - که عراق را در اختیار داشت - را تشویق نمایند تا در جبهه آلمان وارد نشود، امتیازاتی به این دولت دادند و سابقه حقوقی قرن ها کنترل ایران بر اروندرود را نادیده گرفتند. اما این قرارداد هیچ گاه مورد قبول قرار نگرفت و حتی پس از پایان جنگ جهانی اول، دولت ترکیه که میراث بر امپراتوری عثمانی بود آن را غیر عادلانه خواند. سرانجام در سال ۱۹۳۷ ایران و عراق

میراث بر امپراتوری عثمانی بود آن را غیرعادلانه خواند. سرانجام در سال ۱۹۳۷ ایران و عراق طبق معاهده‌ای رژیم را برای اروندرود تعیین کردند که تنها در بخشی از این رودخانه امکان کشتیرانی برای ایران به رسمیت شناخته شده بود. اما عراقی‌ها چند بار این پیمان را نقض کردند و اروندرود در سال‌های ۶۱-۱۹۶۰ و ۱۹۷۵ در جنگ فرو رفت. در سال ۱۹۷۵ نمایندگان الجزایر در اوپک واسطه‌گردیدند و به دنبال آن قرارداد الجزایر منعقد و مرزهای خشکی ایران بر اساس همان مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۱۳ قسطنطنیه و مرزهای آبی در اروندرود بر مبنای خط تالوگ، یعنی خط عبورکننده از عمیق‌ترین کانال رودخانه که قسمت‌های قابل کشتیرانی و عمیق رودخانه را به دو نیم تقسیم می‌کند، تثبیت گردید. (پارسادوست، صفحات مختلف و فرشادکهر، صص ۲۸۱-۱۸۹) تلاش عراق در جریان جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه ایران نیز برای نقض قراردادهای منعقد به جایی نرسید و عراقی‌ها در پایان جنگ متن قرارداد الجزایر را مجدداً پذیرفتند.

در خلیج فارس و دریای عمان، ایران مقدار ۱۲ مایل دریایی را به عنوان آب‌های سرزمینی خود اعلام کرده است.^۱ ایران مرزهای دریایی خود را با کشورهای عربستان، قطر، بحرین و عمان تثبیت کرده ولی این مرزها با عراق، امارات (البته نه مسأله جزایر ایرانی تنب و ابوموسی - زیرا این مسأله قبلاً حل گردیده است) و کویت تعریف نشده باقی مانده است. به علاوه، مرزهای منطقه انحصاری اقتصادی ما با پاکستان در دریا نیز هنوز بلا تکلیف است.

مرکز سیاسی (پایتخت)

تهران، مرکز سیاسی کشور، در مرکز هسته سیاسی واقع شده اما در مرکز جغرافیایی کشور که حوالی یزد می‌باشد قرار ندارد و فاصله‌اش با مرزهای شمالی بسیار کمتر از مرزهای جنوبی

۱- برخی کشورها از ۳، برخی از ۴ و گروه زیادی از ۱۲ مایل و برخی حتی از ۲۰۰ مایل به عنوان پهنای دریای سرزمینی خود طرفداری می‌کنند. کنفرانس سوم حقوق دریاها در ۱۹۸۲ از ۱۲ مایل جانبداری نمود. برخی از کشورها مانند آمریکا که از ۳ مایل حمایت می‌کند برای اینکه بتواند به تنگه‌هایی که با پذیرش ۱۲ مایل به عنوان آب‌های سرزمینی به آب‌های داخلی کشورهای دیگر تبدیل می‌شود وارد گردند این مصوبه را امضا نکردند.

و ویژگی‌ها و علایق مشترک فرهنگی سیاسی با آن دولت دارند. اهمیت پایتختی که در مرکز هسته سیاسی قرار دارد بیشتر از نظر ثبات سیاسی است. اگر پایتخت در مرکز جغرافیایی کشور واقع شده باشد این امر می‌تواند تأثیرات مثبتی بر ایجاد وحدت داخلی، اداره امور داخلی، حمل و نقل و ارتباطات و امور دفاعی - در صورتی که کشور وسعت کافی داشته باشد - بگذارد.

۳- جمعیت و ترکیب اجتماعی و نحوه توزیع سرزمینی آن

جمعیت ایران بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵، ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر بوده است. این جمعیت به دلایل طبیعی و اقتصادی بسیار ناموزون توزیع شده به گونه‌ای که تمرکز جمعیت کشور در مرکز (تهران)، شمال و غرب کشور است و بخش‌های وسیعی از شرق کشور فاقد جمعیت یا دارای جمعیت اندک است.

«پنج استان سمنان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد و خراسان با داشتن ۵۱/۵ درصد مساحت کشور، تنها ۱۸/۳۷ درصد از جمعیت آن را به خود اختصاص داده‌اند؛ در حالی که هشت استان گیلان، مازندران، گلستان، آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، همدان و کرمانشاه با داشتن ۱۲/۵۸ درصد مساحت کشور، بیش از ۴۳/۱ درصد جمعیت را در خود جای داده‌اند (۳/۵ برابر نسبت مساحت خود در کشور). استان تهران نیز با اشغال تنها ۱/۱۸ درصد از مساحت کشور، بیش از ۱۷/۲۲ درصد جمعیت را در خود پذیرفته است.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸)

نمودار هرم سنی جمعیت که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ تنظیم شده است گویای جوان بودن جمعیت کشور و ورود سالانه صدها هزار نفر جویای کار به بازار اشتغال ایران می‌باشد. این امر می‌تواند به هنگام انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری در شکل دهی جهت‌گیری تبلیغاتی کاندیداها و همچنین برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور مؤثر باشد.

از نظر قومی، این ترکیب در جمعیت ایران وجود دارد: ۷۷-۷۳٪ فارس (البته سرشماری سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که ۸۲/۸۳ درصد مردم فارسی صحبت می‌کنند و ۲/۸۶ درصد نیز فقط فارسی را می‌فهمند. تنها ۱۴/۳۲ درصد از مردم فارسی نمی‌دانند که بخش عمده‌ای از آنها در مناطق عشایری و روستایی زندگی می‌کنند). ۱۷-۱۵٪ آذری، ۵-۳/۵٪ کردهای شیعه و سنی،

۳٪ اعراب ۲٪ بلوچ و ۱/۲٪ ترکمن. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، صص ۱۲۷-۱۲۶)

ترکیب جمعیتی ایران بر اساس دین و مذهب نیز بدین‌گونه ذکر شده است: بیش از ۹۹٪ جمعیت مسلمانند - یعنی ۹۶٪ شیعه و ۳٪ سنی - و از کمتر از ۱٪ جمعیت غیرمسلمان به ترتیب ارامنی، زرتشتی، یهودی و غیره قرار می‌گیرند.

اقلیت مذهبی اهل سنت دارای دو شاخه حنفی و شافعی است: حنفی‌ها در نوار باریکی از مرز شرقی از حوالی تربت جام تا بلوچستان و مناطقی از هرمزگان و جزایر خلیج فارس و شرق دریای مازندران و گوشه شمال غربی خراسان زندگی می‌کنند و شافعی‌ها در بخش جنوبی آذربایجان غربی و استان کردستان زیست می‌کنند.

ریشه واحد نژادی، اشتراکات دینی و مذهبی سابقه طولانی زندگی در کنار یکدیگر و احساس تعلق به فرهنگ و سرزمین ایران، علی‌رغم تبلیغات دامنه‌دار دشمنان ایران، از بروز تمایلات گریز از مراکز جدایی طلب در بین اقوام ایرانی جلوگیری نموده است.

۴- شبکه راه‌های ارتباطی

گسترش راه‌های ارتباطی و ایجاد و توسعه بنادر و فرودگاه‌ها از زیربنایها و ملزومات توسعه و ارتباط دهنده فرهنگ‌های یک سرزمین و در نتیجه تأثیربخش در ایجاد وحدت و انسجام داخلی در یک کشور است.

به دلیل وضعیت کوهستانی و کویری در بخش‌های بزرگی از کشور، ایجاد راه‌آهن و راه‌های شوسه دارای کیفیت مناسب مشکل است.

در عین حال، به جز راه‌آهن شمال - جنوب ایران و راه‌های شوسه ارتباط دهنده شهرهای کشور به یکدیگر که قبلاً احداث شده بود، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش گسترده‌ای برای ساختن بنادر، فرودگاه‌ها، مترو، اتوبان‌های درون و بین‌شهری (مانند تهران - زنجان، تهران - اصفهان، تهران - شمال، قزوین - رشت و غیره) ایجاد و تعریض و بهینه‌سازی جاده‌های موجود، توسعه راه‌آهن کشور (از جمله راه‌آهن مشهد - سرخس - تاجن و بافق - بندرعباس به منظور برقراری ارتباط راه‌آهن آسیای شرقی و آسیای میانه با خلیج فارس، دو خطه شدن بخشی از راه‌آهن کشور و غیره)، و احداث راه‌های روستایی صورت گرفته است.

این امر به علاوه گسترش شبکه مخابراتی و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی کشور در گسترش وحدت ملی و تحکیم هویت ملی مؤثر خواهد بود.

همچنین به دلیل نقش ارتباطی، ایران یک عنصر کلیدی در «کریدر شمال - جنوب» خواهد بود که تاکنون موافقت‌نامه آن به امضا رسیده و کشورهای متعددی برای عضویت در آن ابراز آمادگی کرده‌اند. (روزنامه انتخاب، ۸۲/۲/۲)

قدرت‌های بزرگ و اهمیت استراتژیک ایران

کشور ایران در دوره‌های مختلف تاریخی از موقعیت و اهمیت استراتژیک برخوردار بوده و بدین دلیل به‌طور دائمی مورد طمع قدرت‌های بزرگ قرار گرفته و موضوع ایران جای خاصی در استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای آنان داشته است.

ایران در قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ مورد رقابت روسیه تزاری و انگلیس بود، به گونه‌ای که گاه به صورت «دولت حائل» بین آن دو درمی‌آمد.

ایران در هر دو جنگ جهانی «پلی برای پیروزی» گردید و پس از جنگ دوم جهانی بر مبنای استراتژی سد نفوذ اتحاد شوروی^۱ وارد یکی از پیمان‌های زنجیره‌ای غرب یعنی سنتو^۲ گردید. بعد از شکست آمریکا در جنگ ویتنام و با تغییر استراتژی آمریکا، ایران به عنوان «ژاندارم آمریکا» در منطقه درآمد و این وظیفه را با سرکوبی حرکت آزادیبخش ظفار انجام داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از اردوی غرب، آمریکا انواع فشارها به منظور بازگرداندن ایران به اردوگاه غرب را به ایران اعمال کرد. یک نمونه بارز آن «استراتژی مهار ایران» در دوره ریاست جمهوری کلینتون بود که نتوانست حمایت دوستان اروپایی و آسیایی آمریکا را جلب کند و نهایتاً کنار نهاده شد.

بعد از حملات ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به برج‌های سازمان تجارت جهانی و وزارت دفاع آمریکا، این کشور فرصت مناسبی به دست آورده است تا با رویکرد «حمله

1- Containment.

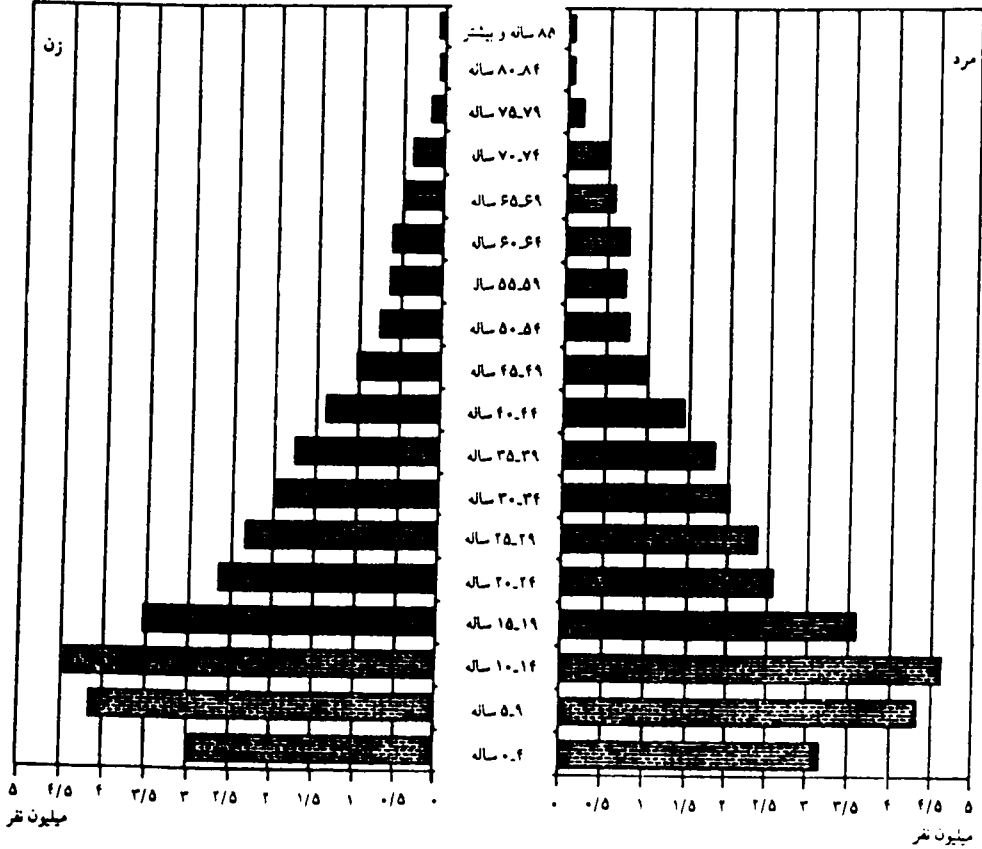
2- CENTO (Central Treaty Organization).

پیشدستانه» استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی خود را اجرا کند. آمریکا برای ایجاد نظام تک‌قطبی جهانی و سلطهٔ بلامنازع بر نفت منطقه خلیج فارس نیازمند جلوگیری از تشکیل هرگونه اتحاد استراتژیک ضدآمریکایی بین قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای مانند چین، روسیه، هند و ایران از طریق حضور در مرزهای شمالی ایران، افغانستان و پاکستان است. آمریکا به‌علاوه بدین‌وسیله برای حفظ موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی در تلاش است و نومحافظه‌کاران آمریکایی^۱ که امروزه بر اینکه قدرت در این کشور تکیه زده‌اند، در فکر تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه و اجرای طرح «خاورمیانهٔ بزرگ» در این راستا هستند.

نتیجه

کشور ایران از عناصر گوناگون مثبت و منفی جغرافیایی تأثیرگذار بر قدرت و مسائل سیاسی داخلی، روابط خارجی کشور و استراتژی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برخوردار است. در دستهٔ عناصر مثبت می‌توان از برخورداری از علت و جودی تاریخی، موقعیت استراتژیک و مرکزی، اثرات دفاعی کوه‌ها، حضور در سراسر شمال خلیج فارس و تنگه هرمز، منابع غنی معدنی به‌ویژه منابع نفت و گاز، واقع بودن پایتخت در مرکز هسته سیاسی و غیره و در دستهٔ عناصر منفی یا تا حدودی منفی می‌توان از تعداد زیاد همسایگان، شکل مایل به طولانی، برخی مشکلات و مسائل مرزی، عدم وجود پایتخت در مرکز جغرافیایی کشور، نقش منفی کوه‌ها بر عبور آزاد ابرها و ایجاد راه‌های ارتباطی و غیره نام برد. در عین حال، موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفت و گاز از مهم‌ترین عناصر جغرافیای سیاسی ایران هستند و این امر تاکنون بازتاب خود را بر استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی قدرت‌های بزرگ به جا نهاده است.

هرم سنی جمعیت کشور (سرشماری ۱۳۷۵)



کتابنامه:

- ۱- روزنامه انتخاب، «ایران میزبان کریدر شمال - جنوب می شود»، ۱۳۸۲/۲/۲.
- ۲- بدیعی، ربیع، (۱۳۶۲)، جغرافیای مفصل ایران، ۳ جلد، تهران: اقبال، جلد اول.
- ۳- پارسادوست، منوچهر، (۱۳۶۵)، زمینه های تاریخی اختلافات ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴- برسکات، جی ار وی، (۱۳۵۸)، گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.

- ۶- میرحیدر (مهاجرانی)، دره، (۱۳۵۴)، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سیمرغ.
- ۷- میرحیدر (مهاجرانی)، دره، (۱۳۸۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- ۸- فرشاد گهر، ناصر، (۱۳۶۷)، نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- 9- Dikshit, R.D., (1982), *Political Geography, a Contemporary Perspective*,
New Delhi: Tata Mc Graw - Hill Publishing Company Limited.

